فصلنامه علمی ـ پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی
سال دهم، زمستان ۱۳۹۲، شماره ۳۵
صفحات: ۴۶ ـ ۲۵

ISLAMIC REVOLUTION STUDIES
A Quarterly Scientific _ Research Journal
Vol. 10, Winter 2014, No 35

جلوه‌های ادبی ـ سیاسی شعارهای دوران انقلاب اسلامی ایران

مریم‌السادات اسعدی فیروزآبادی*
زهرا فاتحی نصرآبادی**

چکیده

در انقلاب اسلامی ایران، مردم از جان گذشته، با فریادهای خشم‌آهنگ و موزون خود در کوچه و خیابان، ضمن تبیین بنیادها و اهداف انقلاب، در پیش بردن این حرکت سیاسی و منجر شدن آن به پیروزی، نقش مهم و غیرقابل انکاری داشتند. شعارها به دلیل کوتاه و موزون بودن، سادگی، طنزگونگی و داشتن تقدس مذهبی، خیلی زود در اذهان جای می‌گرفتند و با تکرار منتشر می‌شدند. اگرچه شعارها بیشتر توسط مردم کوچه و بازار در زمانی کوتاه ساخته می‌شد و بر زبان‌ها جاری می‌گشت، اما وجود عناصر زیبایی‌شناسی تا حدودی در آنها قابل توجه و بازکاوی است. این نوشته پژوهشی که پس از نگاهی به ابعاد سیاسی ـ اجتماعی شعارها، آنها را به شیوه توصیفی ـ تحلیلی از بعد ادبی و زیبایی‌شناسی بررسی می‌کند، نشان می‌دهد که ذوق و قریحه خدادادی مردم ایران، طبع ظریف و نکته‌سنجشان، نیز مأنوس بودنشان با شعر و ادبیات، در شعارهای انقلابیشان نیز جلوه‌گری می‌کند.

واژگان کلیدی

شعار، انقلاب، سیاست، زیبایی‌شناسی، وزن و آهنگ، فنون بلاغت، طنز.

مقدمه

هر انقلاب با توجه به ماهیت خود، از عللی بر می‌خیزد و اهدافی را دنبال می‌کند و بنابر ابعاد و دامنه

*. استادیار دانشگاه پیام نور. ma2463@yahoo.com
**. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی. afsene8@yahoo.com
تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱/۳۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۷/۱۸

گسترش، نیز میزان تأثیرگذاری، می‌تواند رویدادی کوچک یا بزرگ در هر کشور قلمداد گردد.

انقلاب اسلامی ایران که انقلابی علیه استبداد و دیکتاتوری حاکم بر ایـران بـود، صـرف نظـر از تشـکیل سلسله صفویه که رخدادی عظیم در تاریخ کشور ایران به شمار می‌آید، بزرگترین تحول تاریخی اسـت کـه از ظهور اسلام تاکنون در ایران روی داده است. (زیباکلام، ۱۳۷۵: ۹ و ۱۰) بنابراین، مطالعه همه‌جانبـه پیرامـون این پدیده سترگ، امری ضروری به نظر می‌رسد.

در انقلاب‌ها و مبارزات اجتماعی، برخی عقاید و اعتراضات جمعیت معترض، به شکل شعار مطرح مـی‌گـردد. شعارگویی و رجزخوانی را از ویژگی‌های شعر اعتراضی دانسته‌اند (ترابی، ۱۳۸۹: ۱۸۷) و این، همه جـزء لاینفـک ادبیات مقاومت به شمار می‌آید. ادبیاتی که رسالت خود را شرح و بیـان مبـارزه، پایـداری، جـان‌فشـانی و از خـود گذشتگی مردمی می‌داند که با تحمل درد و رنج، در جهت به دست آوردن آزادی، استقلال و سرکوب اشـغالگران و متجاوزان به سرزمین نیاکانی خود و دفـاع از دیـن، فرهنـگ و سـنت‌هـای قـومی، از هـیچ تلاشـی فروگـذار نمی‌کنند. (همان: ۷ و ۸)

هلهله و فریاد، رجزخوانی و بر زبان آوردن سخنان مهیج و آتشین و همه موارد این‌چنینی کـه بـین افـراد یک گروه، وحدت و رابطه عاطفی و روانی برقرار می‌سازد و از آن طرف روحیه گروه مقابل را تضعیف می‌کند، همواره در همه دوره‌ها، نزد همه اقوام و ملل مرسوم بوده است. سـنگری، رسـم رجزخـوانی را کـه بـا تحقیـر دشمن و تکریم خود به منظور ایجاد نوعی هراس در روحیه افراد دشمن صورت می‌گرفته، نوعی جنگ روانـی دانسته که پیش از شروع مبارزه انجام می شده است. (سنگری، ۱۳۸۹: ۷۱) در شعارهای انقلاب نیز که در آنها خواسته‌های ملت به صورت کوتاه و فشرده بیان می‌گردد، همین لحن محکوم ساختن دشمن، تحقیر و اعـلام انزجار از او دیده می‌شود. شعار، ساده‌ترین و در عـین حـال کارآمـدترین ابـزار مبـارزاتی مـردم در انقـلاب‌هـا محسوب می‌گردد؛ چراکه بدین وسیله مردم می‌توانند بی‌واسـطه، متحـد و یـک صـدا، خواسـته‌هـای خـود را مستقیماً به گوش دست‌اندکاران حکومت برسانند.

در تظاهرات و راهپیمایی‌ها که شعارها بر زبان شعاردهندگان جاری می‌گردد، همواره خطر از دست دادن جـان و وقوع حوادث ناگوار وجود دارد و آنها که در این‌گونه حرکت‌های مردمی شرکت می‌کنند، کسـانی هسـتند کـه در راه نیل به اهداف و آرمان‌های خویش به راستی دست از جان شسته‌اند و شجاعانه قدم در میدان می‌گذارند.

شعارهای دوره انقلاب، علی‌رغم اختناق حاکم بر جامعه و فرصت محدود، به سبب ویژگی‌هایی چون کوتاه و موزون بودن، سادگی، طنزگونگی، داشتن تقدس مذهبی و از همه مهم‌تر به‌دلیل بر آمدن از دل آحـاد مـردم، خیلی سریع در اذهان جای می‌گرفتند و با تکرار منتشر می‌گشتند. اگرچه ایـن جمـلات بعضـاً مـوزون، بـدون بهره‌گیری از نیروی متخصص، توسط عامه مردم ساخته و پرداخته می شد، در ایجاد هیجان و گسترش عرصه مبارزاتی مردم علیه نظام طاغوت، بسیار تأثیرگذار بود و می‌توان آنها را گرزهایی از خشـم و اعتـراض دانسـت

که در بستری از ادب عامیانه رشد می‌کرد و بر سر طبقه حاکم فرو می‌آمد. این نوشتار، که به این مهم اختصاص یافته است، نخست با تأملی در ابعاد سیاسی ـ اجتماعی شعارها، به دل برآمده‌های مردم نظر می‌افکند، سپس آنها را از بعد ادبی و زیباشناسانه بررسی می‌کند. در انتخاب شعارها، از کتاب‌های «فرهنگ شعارهای انقلاب اسلامی»، «تصاویر دیوار نوشته‌های انقلاب» و «همگام با شعارها در انقلاب اسلامی ایران» استفاده شده است. تعدادی نیز از حافظه نگارندگان نقل می‌گردد.

ابعاد سیاسی ـ اجتماعی

یک. تعریف انقلاب

انقلاب که یک کلمه عربی است، در لغت به معنی برگشتن، زیر و رو شدن، واژگون شدن، تغییر و تحول و شورش و ناآرامی است. (معین، ۱۳۷۱: ذیل واژه) این کلمه در اصطلاح، بر دگرگونی ریشه‌ای در نهادهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی یک کشور اطلاق می‌گردد که از یک طغیان بزرگ و یا واژگونی حکومت مستقر سرچشمه می‌گیرد. (جفری ام، ۱۳۷۳: ۲۰) انقلاب را باید مفهومی اعتباری دانست که با تغییر نظام همراه است. این تغییرکیفی و ارزشی نظام اجتماعی، غالباً با خشونت و سرعت توأم و متکی بر اراده اکثریت مردم جامعه است. (متقی‌زاده، ۱۳۷۷: ۵؛ محمدی، ۱۳۸۸: ۲۹)

دو. شعارها و بنیادهای اصلی انقلاب اسلامی

هر جنبش سیاسی، بر بنیادهایی استوار می‌گردد. سه بنیاد اصلی انقلاب ایران را، «رهبری»، «وحدت»، و «حکومت اسلامی» تشکیل می‌دادند که این سه، برپایه محور اسلام با یکدیگر در ارتباط بودند. (بی‌نا، ۱۳۷۹: ۱۰۵) در بسیاری از شعارهای انقلاب، این سه عنصر حضوری پررنگ دارند.

۱. رهبری

یکی از متغیرهای مهم در انقلاب‌های اجتماعی، وجود رهبر است. این مسئله در اسلام نیز مورد توجه قرار گرفته است. (متقی‌زاده، ۱۳۷۷: ۱۱۶) امام خمینی، شخصیتی بود که خود در بیداری مردم ایران و قیام آنان، نقش اساسی را بر عهده داشت و پس از وقوع انقلاب، چون سکانداری حاذق، این کشتی به حرکت در آمده را با درایت و شجاعت به سر منزل مقصود و ساحل نجات هدایت کرد. نقش این رهبر مردمی به اندازه‌ای برجسته و قابل توجه است که همگان در دنیا او را به عنوان یک رهبر انقلابی می‌شناسند و ابعاد دیگر شخصیتی او تحت تأثیر این جنبه، اغلب نادیده گرفته می‌شود. حامد الگار می‌نویسد:

> نقش سیاسی امام خمینی در رهبری انقلابی که در تاریخ معاصر بی‌نظیر است، روی هم رفته سبب شده است تا مقام شامخ ایشان به عنوان یک محقق، فیلسوف و عارف ناشناخته بماند. (الگار، ۱۳۶۰: ۶۲)

برخی از شعارهایی که حول محور رهبری قیام رواج یافت عبارتند از:

الله اکبر، خمینی رهبر؛

ارتش ما حسینیه، رهبر ما خمینیه؛

این است شعار ملی، خدا، قرآن، خمینی.

۲. وحدت

یکی از عوامل مهم در پی‌ریزی و پیروزی هر جنبش سیاسی، حفظ وحدت و همدلی میان عناصر فعال در آن است. در انقلاب اسلامی ایران، مردم که بدنه اصلی انقلاب را تشکیل می‌دادند، با الهام و تبعیت از رهبر فرزانه قیام، در شعارهای خود، تمام گروه‌ها و دسته‌های اجتماع را به اتحاد فرامی‌خواندند. برخی از این‌گونه شعارها عبارتند از:

اتحاد اتحاد، رمز پیروزی

روحانی، دانشجو، محصل، پیوندتان مبارک

ارتش برادر ماست حامی و یاور ماست

۳. حکومت اسلامی

حکومت اسلامی، حکومت قانون الهی است و در آن حکومت کنندگان موظفند احکام و قوانین اسلام را که از قرآن و سنت اخذ می‌گردد، اجرا کنند. (شیخ الاسلامی، ۱۳۸۵: ۵۴)

اندیشه تشکیل حکومت اسلامی که در تاریخ معاصر ایران از سیدجمال‌الدین اسدآبادی آغاز گردید، از حدود سال ۱۳۲۰ به بعد، دوباره جان گرفت و در دهه پنجاه به عنوان الگویی عملی و طرحی برای زندگی مردم در همه ابعاد سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مطرح شد و از عوامل مهم در پیروزی انقلاب گردید. (متقی‌زاده، ۱۳۷۷: ۷۸) شعارهای زیر، صریحاً به برقراری حکومت اسلامی اشاره دارند:

جمهوری اسلامی آری حکومت خودکامان هرگز

نظام شاهنشاهی سرچشمه فساد است جمهوری اسلامی مظهر عدل و داد است

زندانی سیاسی آزاد باید گردد حکومت اسلامی ایجاد باید گردد

سه. شعارها و اهداف انقلاب اسلامی

هر انقلاب در ذات خود، اهدافی را دنبال می‌کند. مهم‌ترین اهداف انقلاب اسلامی ایران، برقراری استقلال، آزادی و عدالت در کشور بود. (بی‌نا، ۱۳۷۹: ۱۳۷) امام خمینی، این هر سه را نخستین حقوق بشر می‌دانست. (بی‌نا، ۱۳۸۰: ۲۳)

۱. استقلال

رژیم پهلوی با بازگذاشتن دست بیگانگان در تصمیم‌گیری‌های امور مملکت، استقلال کشور را به خطر انداخته بود. این وابستگی، روز به روز در عرصه‌های مختلف سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی گسترش می‌یافت. در

شعارهای زیر، استقلال طلبی مردم و درخواست قطع دخالت‌های اجانب در امور کشور دیده می‌شود.

استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی

بختیار بختیار نوکر بی‌اختیار

این کارتر بیگانه از خاور میانه اخراج باید گردد

۲. آزادی

با اینکه آزادی از مفاهیم بغرنج در فلسفه سیاسی مسلمانان به شمار می‌رود و تفاسیر مختلف از آن باعث گردیده این مهم، به عنوان حق خدادادی تا سر حد کفر پیش رود، اما رهبر فرزانه انقلاب نه تنها آن را مغایر با اسلام معرفی نکرد؛ بلکه از آن به عنوان ارزشی الهی یاد کرده و آن را جزو شعارهای بنیادین انقلاب قرار داد. (خواجه سروی، ۱۳۸۹: ۲۳۵) امام، آزادی را حقی اولیه، قانونی و شرعی برای نوع بشر دانسته می فرماید: «حق اولیه بشر است که [بگوید] من می‌خواهم آزاد باشم». (طالبی دارابی، ۱۳۷۸: ۳۲)

گفتنی است، آزادی از نظر مردم انقلابی، حق حاکمیت بر سرنوشت خود و رهایی از سلطنت استبدادی است و انقلابیان گاه در فضای آزادی، به یاد شهدا از کوشش آنان برای کسب آزادی تجلیل می‌کنند. (بی‌نا، ۱۳۷۹: ۱۴۰)

آزادی آزادی این است شعار ملی

در بهار آزادی جای شهدا خالی

۳. عدالت

عملکرد نامناسب رژیم پهلوی در امور اقتصادی، اسباب بدبینی مردم را نسبت به رژیم فراهم آورده بود. یکی از خواسته‌های مردم در جریان انقلاب، توزیع عادلانه ثروت‌های ملی در بین مردم بود. آنان در شعارها، حمایت خود را از طبقات محروم جامعه چون کارگران و کشاورزان اعلام کرده و در مقابل، غارتگران و چپاول‌کنندگان بیت المال را محکوم می‌کردند. (همان: ۱۴۲)

استثمار نابود است زحمتکش پیروز است

کارگر برزگر مستضعف رنجبر اسلام یاور توست

چهار. ماهیت شعارها

ماهیت شعارهای انقلاب ایران را می‌توان در چهار بخش بررسی کرد:

یک. شعارهایی که از آغاز انقلاب، حتی پیش از آن در تجمعات قانونی، از طریق بیانیه‌های رسمی و حتی در رسانه‌های گروهی مطرح می‌گردند و بر اصلاحات و تغییرات جزئی در نظام سیاسی حاکم تأکید می‌کنند. (بی‌نا، ۱۳۷۹: ۷) نمونه‌های این‌گونه شعارها به قرار زیر است:

عاملین استعمار باید شوند برکنار

صدا و سیمای ما آزاد باید گردد سانسورچی طوماری اخراج باید گردد

دو. شعارهایی که در فواصل مختلف حرکت انقلابی بر چگونگی مبارزه تا پیروزی انقلاب و انسجام و تقویت پایگاه و جایگاه رهبری تأکید می‌کنند. (همان: ۸) نمونه‌های زیر را می‌توان از این دست بر شمرد:

با سرود لا اله الا الله می‌رویم به راه پاک روح الله

برای حفظ قرآن ارتش تو کودتا کن

شهادت سرود انقلاب است

سه. آن دسته از شعارها که با اوج گرفتن انقلاب رواج می‌یابند و با ماهیت سلبی خود، خواهان نابودی رژیم سیاسی حاکم هستند. (همان: ۷)

نصر من الله و فتح قریب مرگ بر این سلطنت پر فریب

مسلمان بیدار است از سلطنت بیزار است

شاه بیا حیا کن سلطنت را رها کن

چهار. آنها که ماهیت ایجابی دارند و در روزهای آخر پیروزی انقلاب بر استقرار یک نظام سیاسی مطلوب تأکید می‌ورزند. (همان)

شورای انقلابی ایجاد باید گردد جمهوری اسلامی ایجاد باید گردد

رژیم شاهنشاهی سر منشأ فساد است جمهوری اسلامی مرکز عدل و داد است

پنج. جمهوریت و شعارهای انقلاب

تجلی جمهوریت در شعارهای انقلاب از دو بعد سلبی و ایجابی قابل بررسی است. بعد سلبی به این معنا که مردم مبارز در جریان انقلاب، نسبت به این مسئله وقوف داشتند که در پی نابودی چه چیزی هستند؛ اما در مورد اینکه چه چیزی را می‌خواهند جایگزین سازند، آگاهی نداشتند. همین حضور بعد سلبی و فقدان بعد ایجابی، به تدریج مردم را دلسرد و مبارزه را به سوی بن‌بست پیش می‌برد، اما رهبر کبیر انقلاب با درایت خود، در اقدامی عالمانه، بعد ایجابی نهضت را که عبارت از طرح نظریه حکومت اسلامی یا نظام ولایت فقیه در عصر غیبت بود مطرح ساخت و بدین ترتیب، حلقه سلب و ایجاب تکمیل شده، افق مبارزه برای مردم انقلابی کاملاً روشن گردید. (خواجه سروی، ۱۳۸۹: ۳۲)

محمدرضا دهشیری در مقاله خود تحت عنوان: «جمهوریت و شعارهای انقلاب»، به این نتیجه دست می‌یابد که «جمهوریت علاوه بر برخورداری از جنبه‌های سلبی و اثباتی، صرفاً درونگرا نبوده، بلکه جنبه‌ای برون‌گرا نیز داشته است». همچنین بررسی‌های این صاحب‌نظر نشان می‌دهد که جمهوریت از بطن جامعه توده‌ای برخاسته است؛ اگرچه در بعضی شعارها، اشاراتی به بنیادها و نهادهای جامعه مدنی دیده می‌شود و جمهوریت با جامعه مدنی به کلی ناسازگار نیست. (دهشیری، ۱۳۷۷: ۱۷۸)

گفتنی است جامعه توده‌وار زمانی شکل می گیرد که بنا به عللی، وفاداری گروهی میان مردم از

بین می‌رود. (کوهن، ۱۳۸۶: ۱۹۶) از مهم‌ترین ویژگی‌های جامعه توده‌وار، مبتنی بودن بر کثرت گرایی و تأکید خاص بر آزادی (دموکراسی) است. (زکریایی، ۱۳۸۷: ۴۷؛ ملکوتیان، ۱۳۸۹: ۶۷) درحالی‌که تشکل‌ها و سازمان های طبقاتی، صنفی و سیاسی، همبستگی‌های اجتماعی، سنتی و مذهبی، شبکه‌های ارتباط جمعی شهری و ... را می‌توان از خصایص جامعه مدنی دانست. (کوثری، ۱۳۸۷: ۱۴؛ مولانا، ۱۳۸۲: ۱۰۱ ـ ۶۹)

نمونه شعارهای متناسب با جامعه توده‌ای عبارتند از:

مجاهدین پیوستند بی غیرت‌ها نشستند

ما به ارتش گل دادیم ارتش به ما گلوله

نمونه شعارهای متناسب با جامعه مدنی عبارتند از:

تفرقه نابود است انقلاب پیروز است

خلق به خون می‌کشد سلسله پهلوی

بررسی ادبی شعارها

در این بخش، شعارها از سه بعد وزن و آهنگ، فنون بلاغت و صناعات ادبی و زبان و بیان طنزآمیز بررسی می‌شوند. ذکر این نکته لازم است که ابعاد یاد شده، در آثار بسیاری از نویسندگان و شاعران دوره انقلاب قابل بحث و بازکاوی است. مطالعه نوشته‌های نویسندگانی چون سید مهدی شجاعی، محمود گلاب‌دره‌ای در حوزه داستان و یا نثر ادبی، همچنین بررسی شعر شاعرانی چون قیصر امین‌پور و سلمان هراتی، گواه آن است که این نویسندگان و شاعران صاحب نام، با احاطه بر اسلوب سخن و سخنوری، آگاهانه و یا تحت تأثیر قریحه خداداد ادبی، به جنبه‌های زیباشناسانه سخن توجه داشته‌اند؛ به طوری که می‌توان تک تک آثار آنان را از این جهت در پژوهش‌های متعدد و مجزا مورد بازبینی قرارداد و به نتایج قابل توجهی دست یافت؛ آن‌چنان‌که بسیاری از این آثار از این حیث در قالب کتاب، طرح پژوهشی و پایان‌نامه کنکاش شده‌اند.

این امر بر عهده نقد زیبایی‌شناسی است که جوهر هنر را به دور از محتوای خاص آن بررسی می‌کند؛ (زرین‌کوب، ۱۳۷۹: ۲۹) اما آنچه در این مجال مورد توجه نگارندگان بوده آن است که شعارهای انقلاب که بیشتر آنها بدون بهره‌گیری از نیروی متخصص، توسط عامه مردم ساخته و پرداخته می‌شد، در مقابل این نقد از چه جایگاهی برخوردار است و کدام عناصر زیبایی‌شناسی را می‌توان در این شعارها به نظاره نشست. البته با در نظر گرفتن این مطلب ـ همان‌گونه که در تعریف انقلاب پیش از این گفته شد ـ که سرعت یکی از ویژگی‌های انقلاب است و بر فرض بودن افراد صاحب نظر، زمان کافی برای پرداخت و اصلاح شعارها عملاً وجود نداشت.

یک. وزن و آهنگ

از مختصات بارز اکثر شعارها، داشتن وزن و آهنگ عروضی یا هجایی است؛ پاره‌ای از شعارها نیز علاوه بر وزن،

دارای عناصر موسیقایی چون سجع، جناس، تکرار و موازنه هستند. مأنوس بودن مردم بـا شـعر و موسـیقی و آهنگین بودن شعارها، باعث شده است تا یادگیری و تکرار آنها برای همه اقشار جامعه به راحتـی امکـان‌پـذیر باشد. اصولاً مردم، جمله‌ها و عبارات آهنگین را سریع‌تر جذب کرده، به حافظه می‌سپارند. ازایـن‌رو، در قـدیم، بسیاری از علوم را که حفظ و یادگیری آن دشوار بوده، با منظوم ساختن، به متعلمان مـی‌آموختـه‌انـد. در ایـن بخش، ابتدا شعارها به دو دسته منثور و منظوم تقسیم می‌گردد. در این تقسیم‌بندی، آنها کـه منظـوم هسـتند، خود به دو دسته عروضی و غیر عروضی قابل تفکیک هستند.

الف) شعارهای منثور: درصد کمی از شعارها را عباراتی ساده و بدون آهنگ تشکیل می‌دهد که بیشـتر آنهـا به صورت دیوارنوشته دیده می‌شود. نمونه‌هایی از این دست:

ـ با اتحاد خود تفرقه را معدوم می‌کنیم.

ـ با کودتای نظامی آمریکا مقابله می‌کنیم.

ـ قانون اساسی یعنی چماق.

محرم، ماهی که خون بر اسلحه پیروز می‌شود.

ب) شعارهای منظوم: این‌گونه شعارها، خود به دو دسته عروضی و غیر عروضی تقسـیم مـی‌شـود. در ایـن بخش، بیست مورد از مشهورترین شعارهای منظوم که به طور تصادفی انتخاب شده‌اند، از حیث وزن و آهنگ بررسی می‌شوند.

یک. عروضی: شعارهای عروضی یا شعارهایی که کاملاً منظـوم هسـتند و وزن عروضـی در آنهـا رعایـت شده است، تعدادی از شعارها را شامل می‌گردد. در برخی شعارها، وزن عروضی در هر دو پـاره کـه روی هـم یک مصرع را می‌سازند، رعایت شده است، اما هر پاره به تنهایی وزن عروضی کاملی ندارد.

نمونه شعارها با وزن عروضی کامل

ما همه سرباز توایم خمینی

U- U - -/ U U U/ - -

گوش به فرمان توایم خمینی

- - U -U / - U U -/ U - وزن: مفتعلن، مفتعلن، فعولن

*****

ای شاه خائن آواره گردی

- / U- - / - - / U- - -

خاک وطن را ویرانه کردی

- - / U - - / - - / U- / - مفعول فع لن مفعول فع لن

تا شاه کفن نشود

- / U U - U / U- -

این وطن وطن نشود

- / U U – U / U- -

وزن: مفعول مفاعل فع

هر کس که عدالت خواه است

U - / - - - U / U - -

از عدل علی آگاه است

U - / - - - U / U - -

وزن: مفعول مفاعیلن فع

*****

جمهوری اسلامی آری

- / - - - U / U- - -

حکومت خودکامان هرگز

- / - - - U / U- - -

وزن: مفعول مفاعیلن فع لن یا مستفعل مفعولن فع لن

*****

تا خون مظلومان به جوش است

U - -- - / - U -/ - U

آوای عاشورا به گوش است

U - -- - / - U -/ - U

وزن: مستفعلن مستفعلن فع (فاع)

*****

کشتی جوانان وطن آه و واویلا

-/- - U-/ - U- - /- U - -

کردی هزاران تن کفن آه و واویلا

-/- - U-/ - U- - /- U - -

وزن: مستفعلن مستفعلن فاعلاتن فع

۲-۱-۲-۱-۲-نمونه شعارها به صورت پاره‌های عروضی

تا مرگ شاه خائن

/U- - - - - U

نهضت ادامه دارد

/U- - - - - U

وزن: مفعول فاعلاتن

سکوت هر مسلمان

- - U / - U - U

خیانت است به قرآن

- - U / - U - U

وزن: مفاعلن فعولن

*****

ازهاری گوساله

U - - - / U - U

بازم بگو نواره

U - - - / U - U

وزن: مستفعلن فعولن

*****

اینه شعار بختیار

U / - U - U /- U U -

منقل وافورو بیار

U / - U - U /- U U -

وزن: مفتعلن مفاعلن

*****

در بهار آزادی

- - /U - U - -

جای شهدا خالی

- - /U - U - -

وزن: فاعلات مفعولن

*****

الله اکبر

- /U - - -

خمینی رهبر

- /U - - -

*****

نهضت ما حسینیه

- U - U/- U U -

رهبر ما خمینیه

وزن: مفتعلن مفاعلن

در پایان این قسمت، ذکر این نکته لازم است که در تقطیع و تعیین وزن برخی شعارهای ذکر شده، از اختیارات شاعری استفاده شده است. (برای اطلاع از چگونگی اختیارات شاعری ر.ک: شمیسا، ۱۳۷۹: ۳۸؛ صدری، ۱۳۸۷: ۱۷۱)

دو. غیر عروضی: شعارهایی که وزن هجایی دارند، یا هر مصراع وزن جداگانه دارد؛ این قسم شعارها، بیشتر منطبق بر ویژگی‌های شعر عامیانه است.

> اشعار عامیانه غالباً ساده و بی‌تکلف و دلنشین و هماهنگ با ذوق و فهم و روح عوام سروده شده است؛ زیرا هم سرایندگان آنها و هم مردمی که این آثار را می‌خوانند، از صنایع ادبی و علم عروض بی‌خبرند و از کاربرد بحرها و قوافی پیچیده و مشکل بر کنار. اوزان اشعار عامیانه مبتنی بر امتداد اصوات و تکیه هجاهاست. بنابراین، به هنگام قرائت آنها باید به حرکات و سکنات و کشش‌ها و محل تکیه‌های صوتیشان توجه گردد. (رزمجو، ۱۳۷۴: ۱۳۷)

از آنجا که در جریان انقلاب، این عامه مردم بودند که در تظاهرات و راه پیمایی‌ها شرکت می‌کردند و شعار می‌دادند و اکثر سازندگان شعارها را عوام تشکیل می‌دادند، بنابراین در پاره‌ای شعارها، با وزن هجایی و غیرعروضی مواجه هستیم؛ علاوه بر آن، در این گروه به مواردی بر می خوریم که نه تنها تعداد هجاهای دو پاره با هم مساوی نیست، بلکه اختلاف نوع هجاها از نظر کوتاهی و بلندی نیز به گونه‌ای است که با کمک اختیارات شاعری نمی‌توان دو پاره را با هم برابر کرد.

نمونه‌هایی از شعارها با وزن هجایی (تعداد هجاها مساوی)

حزب فقط حزب الله

U - - - - U U -

رهبر فقط روح الله

U - - - - U - -

تعداد هجاها مساوی، هر دو پاره هشت هجا / تفاوت در نوع هجا

پرچم خونین قرآن

- U - - U U -

در دست مجاهد مردان

- - - U U - - -

تعداد هجاها مساوی، هر دو پاره هشت هجا / تفاوت در نوع هجا

توپ تانک مسلسل دیگر اثر ندارد

- U- U - -- - U U - U -

شاه به جز خودکشی راه دگر ندارد

- U - U U- -U- - UU -

هر دو مصراع دارای چهارده هجا با وزن متفاوت

نمونه‌هایی از شعارها با اختلاف نوع و تعداد هجا

وای اگر خمینی حکم جهادم دهد

-U - - UU- - - U - UU -

ارتش دنیا نتواند که جوابم دهد

U- -UU- - UU - - UU-

پاره اول، چهارده هجا و پاره دوم، پانزده هجا دارد.

نه شرقی نه غربی

- U- - U

جمهوری اسلامی

- - U U - -

پاره اول، شش هجا و پاره دوم، هفت هجا دارد.

کار شاه تمام است

U - -UU- U -

خمینی امام است

U- - U - - U

پاره اول، هشت هجا و پاره دوم، هفت هجا دارد.

دو. فنون بلاغت و صناعات ادبی

۱. معانی و بیان

یک. تشبیه

«تشبیه مانند کردن چیزی است به چیزی، مشروط بر اینکه آن مانندگی مبتنی بر کذب باشد نه صدق» (شمیسا، ۱۳۸۱: ۶۷) تشبیهی که وجه شبه در آن ذکر نشده باشد، «مجمل» و تشبیهی که وجه شبه در آن ذکر شده باشد، «مفصل» نامیده می‌شود. به تشبیهی که در آن ادات تشبیه ذکر نشود، مؤکد و تشبیهی را که در آن، ادات تشبیه ذکر شود، مرسل می‌گویند. (همان: ۶۸) تشبیهی که در آن نه وجه شبه ذکر گردد نه ادات، «بلیغ» نامیده می‌شود. (همان: ۶۹)

نمونه‌های تشبیه در شعارها

ـ شهید قلب تاریخ است. تشبیه بلیغ

ـ در بهار آزادی، جای شهدا خالی. تشبیه بلیغ

ـ مرگ بر بختیار، نوکر بی‌اختیار

بختیار، در بی‌اختیاری و اطاعت محض از ارباب خویش، به نوکر همانند شده و تشبیه از نوع مفصل است.

با چاقوی خرکشی به شیوه سگ کشی ای بختیار الدنگ آخر تو را می‌کشیم

بختیار در تشبیهی مضمر، با خر و سگ همانند دانسته شده است.

دو. استعاره

در استعاره، واژه‌ای به علاقه مشابهت به جای واژه دیگر به کار می‌رود. (همان: ۱۵۳)

نمونه‌های استعاره در شعارها

ـ دیو چو بیرون رود فرشته در آید

استعاره از شاه استعاره از امام خمینی

ـ درود بر خمینی بت شکن

استعاره از طاغوت

ـ بختیار، تو عصای ضحاکی برو گم شو ای نوکر تریاکی

ضحاک: استعاره از شاه و یا دشمنان خارجی

ـ ما می‌گیم شاه نمی‌خوایم نخست وزیر عوض میشه

ما می‌گیم خر نمی‌خوایم پالون خر عوض میشه

استعاره از شاه استعاره از نخست وزیر

سه. کنایه

کنایه در لغت به معنی پوشیده سخن گفتن و در اصطلاح، سخنی را می‌گویند که دارای دو معنی قریب و بعید است و این دو معنی لازم و ملزوم یکدیگرند. (همایی، ۱۳۷۰: ۲۵۵؛ میرزانیا، ۱۳۸۲: ۸۵۵ ـ ۸۵۳)

نمونه‌های کنایه در شعارها

ـ شاه تو را می‌کشیم، به خاک و خون می‌کشیم

به خاک و خون کشیدن: کنایه از کشتن (ثروت، ۱۳۷۹: ۷۲)

ـ خمینی عزیزم، بگو تا خون بریزم

خون ریختن در فرهنگ کنایات، کنایه از قتل و کشتار کردن آمده است (همان: ۹۲؛ میرزانیا، ۱۳۸۲: ۳۵۱) اما در اینجا به معنی خون خود را ریختن و کنایه از «جان فشانی» است.

ـ تا خون در رگ ماست، خمینی رهبر ماست. خون در رگ بودن: کنایه از زنده بودن

ـ تا شاه کفن نشود، این وطن وطن نشود.کفن شدن: کنایه از مردن

چهار. ایجاز

ایجاز در لغت به معنی اختصار و در اصطلاح علم معانی، بیان مقصود در کوتاه‌ترین لفظ و کم‌ترین عبارت است. این امر، در کلام اغلب فصحا دیده می‌شود. (صادقیان، ۱۳۷۱: ۱۱۷)

برخی شعار یا دیوارنوشته‌ها از ویژگی ایجاز برخوردارند. نمونه‌هایی از این دست:

ـ الله اکبر

ـ درود بر خمینی

ـ مرگ بر شاه

ـ شهید قلب تاریخ است.

ـ تزکیه، تشکل، جهاد با اسلحه

پنج. اطناب

اطناب، بیان مقصود با عبارتی بیش از حد متعارف و معمول و هدف از آن، تأکید و تقویت معنی در ذهن شنونده است. (صادقیان، ۱۳۷۱: ۱۱۹) در شعارها، چون مردم بر اعلام مواضع خود تأکید می‌ورزند، اغلب اطناب دیده می‌شود تا ایجاز و این اطناب بیشتر به صورت تکرار کلمات ظاهر می‌شود. در این مورد در قسمت «بدیع» با بیان آرایه تکرار، شواهد ذکر می‌گردد؛ اما شکلی دیگر از اطناب، به صورت ایضاح بعد از ابهام است و آن عبارت است از اینکه گاه، گوینده به منظور جلب توجه شنونده و متمرکز ساختن مطلب در ذهن او، ابتدا آن را با ابهام و به اجمال ذکر می‌کند، سپس آن را توضیح می‌دهد. (همان: ۱۲۱) این نوع اطناب، بیشتر در دیوار نوشته‌ها دیده می‌شود:

ـ هر انقلابی دو رسالت دارد: خون و پیام

ـ در دنیا سه بت شکن آمد: ابراهیم خلیل الله، محمد رسول الله، خمینی روح الله

شش. سادگی بیان و استعمال کلمات به شکل محاوره‌ای

از آنجا که شعارها توسط عامه مردم ساخته می‌شد و به کار می‌رفت، در اغلب آنها، زبان ساده و بی‌تکلف است و از وجود کلمات و ترکیبات ثقیل خبری نیست؛ حتی در برخی از شعارها، کلمات به شکل محاوره ای آن به کار رفته است مانند نمونه‌های زیر:

ـ بیل و کلنگ و تیشه، این شاه آدم نمیشه

ـ به کوری چشم شاه، زمستونم بهاره

ـ ما می‌گیم شاه نمی‌خوایم، نخست وزیر عوض میشه...

۲. بدیع

از آنجا که شعارهای انقلاب تقریباً فی‌البداهه و یا در فرصت زمانی کم و توسط عامه مردم ساخته می‌شد، در آنها از آرایه‌های معنوی و پیچیده که لازمه به کار گرفتن آنها فراغت خاطر، اندیشه و دانش کافی است، نشان چندانی یافت نمی‌شود و بیشتر، آرایه‌های ساده لفظی چون جناس، سجع و تکرار که بر موسیقی کلام می‌افزاید، در شعارها دیده می‌شود. در اینجا، برخی از آرایه‌های به کار رفته در شعارها، با ذکر شواهد ذکر می‌گردد.

۱. آرایه‌های لفظی

یک. تکرار

در تکرار، واژه‌ای چه اسم باشد یا فعل یا حرف، در عبارت یا بیت، چند بار تکرار می‌شود. (صادقیان، ۱۳۷۹: ۸۹) واژه‌ها در شعارها، بیشتر برای تأکید یا خوش آهنگ کردن کلام تکرار می‌گردد.

ـ حسین حسین شعار ماست، شهادت افتخار ماست

ـ ای شاه بی‌غیرت، بگیرد جان تو ملت، ولی آهسته آهسته.

ـ می‌کُشم می‌کُشم، آنکه برادرم کُشت.

ـ ای ارتش آزاده، آماده باش آماده

دو. جناس

جناس یا تجنیس، آوردن دو لفظ در کلام است که در ظاهر به یکدیگر همانند هستند، اما در معنی مختلف. از آنجا که این آرایه، موسیقی کلام را می‌افزاید و لطفی معنوی نیز به همراه دارد، تأثیر سخن را افزون می کند. (همان: ۴۸)

ـ مردم ما بیدارند، از سلطنت بیزارند. بیدار و بیزار: جناس لاحق (اختلاف در حرف میانی)

ـ ارتش بگو جواب گُل، گُلوله است؟! گل و گلوله: جناس مذیل (حروف زاید در پایان یکی از دو پایه جناس)

ـ نه شاه می‌خوایم نه بختیار، کشور می‌خوایم با اختیار. بختیار و اختیار: جناس مطرف (اختلاف در حرف اول)

سه. سجع

«سجع آن است که دو واژه به‌گونه‌ای، در ریخت و ساختار آوایی با هم پیوند داشته باشند.» (کزازی، ۱۳۷۴: ۴۲)

ـ بر لبم این سرود، بر خمینی درود

سرود و درود، علاوه بر داشتن سجع متوازی، قافیه میانی نیز محسوب می‌گردد.

ـ ز خلق ایران هشدار، به شاپور بختیار، تاجر سرمایه‌دار، ناجی شاه خون خوار، نمی‌دهیم اختیار، مرگ بر سازشکار

بین کلمات: هشدار، بختیار، سرمایه‌دار، خون خوار، اختیار، سازشکار: سجع مطرف

ـ شهید قلب تاریخ است، شاه ننگ تاریخ است. قلب و ننگ: سجع متوازن

چهار. طرد و عکس

در این آرایه، گوینده، واژه هایی را که در مصراع اول آورده، عکس یا وارونه آن را در مصراع دوم می آورد یا در عبارت منثور، چند واژه را در آغاز می آورد، سپس وارونه آنها را به دنبال آن ذکر می کند. (صادقیان، ۱۳۷۹: ۸۰)

ـ ملت فدای ارتش، ارتش فدای ملت

۲. آرایه‌های معنوی

یک. مراعات نظیر یا تناسب

«آن است که در سخن اموری را بیاورند که در معنی با یکدیگر متناسب باشند». (همایی، ۱۳۷۰: ۲۵۷؛ شمیسا، ۱۳۸۰: ۶۴)

ـ تا خون مظلومان به جوش است، آوای عاشورا به گوش است.

تناسب بین کلمات: مظلومان، عاشورا، خون.

ـ توپ، تانک، مسلسل، دیگر اثر ندارد.

تناسب بین کلمات: توپ، تانک، مسلسل.

دو. اقتباس

اقتباس آن است که آیه‌ای از قرآن یا حدیثی را به طور کامل یا با کمی تغییر در شعر یا نثر بیاورند. (صادقیان، ۱۳۷۹: ۱۵۴) در میان شعارهای مشهور، تنها یک مورد اقتباس دیده می‌شود:

نصر من الله و فتح قریب، مرگ بر این سلسله پر فریب

آیه شریفه: «نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ». (صف / ۱۳)

سه. تلمیح

در اصطلاح بدیع آن است که گوینده در سخن خود، به داستانی یا مثلی و یا آیه و حدیثی معروف اشاره کند. (بهزادی، ۱۳۷۳: ۹۱) نمونه‌های تلمیح در شعارها:

ـ نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی.

تلمیح به آیه شریفه: «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ ...». (نور / ۳۵)

ـ حزب فقط حزب الله، رهبر فقط روح الله.

تلمیح به آیه شریفه: «فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ». (مائده / ۵۶)

ـ ما اهل کوفه نیستیم، امام تنها بماند.

به بی‌وفایی مردم کوفه نسبت به حضرت علی‌علیه‌السلام یا امام حسین‌علیه‌السلام اشاره دارد.

ـ تا خون مظلومان به جوش است، آوای عاشورا به گوش است.

به شهادت امام حسین‌علیه‌السلام در روز عاشورا اشاره دارد.

چهار. ذم شبیه به مدح

در این آرایه، گوینده ضمن نکوهش کسی یا چیزی، واژه‌هایی چون: مگر، اما، لیکن، جز، الاّ و مانند آن را می‌آورد؛ به طوری که شنونده گمان می‌کند قصد ستایش دارد؛ اما پس از تأمل درمی‌یابد که جمله‌ای که پس از این کلمات آمده، ذم دیگری است. (صادقیان، ۱۳۷۹: ۱۴۴)

شریف امامی، نه شریفی، نه امامی　　بلکه دیوث زمانی

شریف امامی، نه شریفی، نه امامی　　بلکه یک خر تمامی

پنج. جمع

«آن است که چند چیز را در یک صفت جمع کنند که آن را جامع گویند» (همایی، ۱۳۷۰: ۲۸۱)

توپ، تانک، مسلسل دیگر اثر ندارد.

شش. التفات

آن است که گوینـده در حـین سـخن، از غیبـت بـه خطـاب و از خطـاب بـه غیبـت منتقـل شـود. (بهـزادی اندوهجردی، ۱۳۷۳: ۷۲)

ای گرگ برو گله دگر میش ندارد هر خانه ز ما یک پسری بیش ندارد

در پاره اول از شعار فوق، التفات از مخاطب به غیبت دیده می‌شود.

این است شعار ملت دانشجو شهادتت مبارک

در این شعار، التفات از غیبت به مخاطب دیده می‌شود.

هفت. طباق یا تضاد

آن است که در سخن کلمات ضد یکدیگر بیاورند. (همایی، ۱۳۷۰: ۲۷۳)

به دستور خمینی نهضت ادامه دارد اگرچه هر شب و روز بر ما گلوله بارد

نخست وزیر ازهاری تو خوابی یا بیداری آیا خبر نداری در شهر گذر نداری؟

زبان و بیان طنزآمیز شعارها

طنز در لغت به معنی فسوس کردن، عیب‌جویی و طعنه زدن است که به صورتی خنده‌آور اظهار می‌گردد. طنز، با ناروایی می‌ستیزد و در پی خنده‌اش عبرت است؛ بنابراین در طنزگویی، هدف تنها خنداندن نیست؛ بلکه نیشـخند طنز با خشم و قهری توأم است که با خودداری‌ای حکیمانه در آمیختـه اسـت. (رزمجـو، ۱۳۷۴: ۹۰ ـ ۸۹) دوران بیداری را دوران تکامل و بلوغ طنز در تاریخ ادبیات ایران دانسته‌اند. بررسی تاریخ تکوین طنز در ایران، بیانگر آن است که شرایط حاکم بر اجتماع و وابستگی اکثر هنرمندان به دربار، مانعی عمده در راه رشد طنز به شـمار می آمده است؛ اما در دوران بیداری هم به سبب دگرگونی‌هایی که در ساختار سیاسی ـ اجتماعی ایـران پدیـد آمد و هم به لحاظ رواج ساده نویسی در نثر، وسایل رشد و رواج طنز فراهم گردید. (داد، ۱۳۸۵: ۳۴۱)

نکته قابل ذکر در اینجا، آن است که طنزگویی کار هر کسی نیست و ذوقی سلیم و اندیشه‌ای وسیع لازم است تا بتواند از عهده سخن انتقادی طنزآمیز برآید. (رزمجو، ۱۳۷۴: ۹۱)

تأمل در ادب عامه ایران زمین، حاکی از وفور عنصر «خنده» در آثار ادبی است. شفیعی کدکنی، مهم‌ترین عنصر طنز را «تصویر هنری اجتماع نقیضین و ضدین» (شفیعی کدکنی، ۱۳۶۰: ۶) مـی‌دانـد. طنزپـردازی در شعارها بر پایه بازی‌های لفظی و نوعی تابو شکنی صورت می‌گیرد؛ چراکه پیش از این، کسی جرأت نمی‌کرده است اسم شاه یا حتی نخست وزیر را بدون ذکر القاب و عناوین احتـرام آمیـز بـر زبـان آورد. درحـالی‌کـه در شعارها، این دیوار شکسته می‌شود و عامه مردم با همان مجـال کـم و نبـود نیـروی متخصـص، بـا سـلیقه و سابقه‌ای که در خلق شعار دارند، در توصیف خصایص و ویژگی‌های شاه و درباریـان اغـراق مـی‌ورزنـد؛ مـثلاً زمانی که ازهاری، صدای شعار دهندگان را صدای نوار ضبط شده می‌داند، نه صـدای واقعـی تظاهرکننـدگان،

مردم بلافاصله به پشت بام‌ها می‌روند و یک صدا می‌گویند: «ازهاری بیچاره، ای سگ چار ستاره، بازم بگو نواره، نوار که پا نداره، چشمای تو خماره!». یا وقتی بختیار در سخنرانی کذایی خویش، خود را مرغ طوفان می خواند که ترسی از طوفان حوادث انقلاب ندارد، بلافاصله این شعار ورد زبان مردم می‌شود: «نـه مـرغ طوفـانی، نـه موج دریایی، تو گرگ خون خواری، تو نوکر شاهی».

شعار طنزآمیز دیگر، مربوط به اعتراض مردم به موجودیت شاه در زمانی است که بی‌وقفـه در پـی عـوض کردن نخست وزیر است:

ما می‌گیم شاه نمی‌خوایم، نخست وزیر عوض میشه

ما می‌گیم خر نمی‌خوایم، پالون خر عوض میشه

نه شاه می‌خوایم، نه شاپور، لعنت به هر چی مزدور.

این مردم هشیار در شعار زیر، با حالت طنزآمیز، دغدغه‌های واقعی نخست وزیر کشـور را ایـن چنـین بـه تصویر می‌کشند:

اینه شعار بختیار، منقل و وافورو بیار

و در شعارهای زیر، شاه را مورد تمسخر قرار داده، تحقیرش می‌کنند:

شاه فراری شده، سوار گاری شده

ای شاه خائن تو پینه دوزی کفش آقا پاره شده باید بدوزی

همان‌گونه که پیش از این بیان گردید، طنزپـردازی کـار هـر کسـی نیسـت و طبعـی ظریـف مـی‌طلبـد. نمونه‌های یاد شده، از ذوق سلیم و طبع نکته‌سنج مردمی خبر می‌دهد که مأنوس بودنشان با شـعر و ادبیـات، آنان را حتی در کار ساختن شعارهای طنزآمیز یاری داده است.

نتیجه

مروری بر ابعاد سیاسی ـ اجتماعی شعارها نشان می‌دهد، با رهبری مدبرانه امام خمینی(ره)، اهـداف انقـلاب و بنیادهای اصلی آن در شعارها انعکاس یافته است. افزون بر آن، حضور این ابزار مبارزاتی در صحنه، از ابتدا تـا پیروزی این جنبش سیاسی چشمگیر است؛ به طوری که گام به گـام، متناسـب بـا رونـد جریانـات، مضـامین شعارها تغییر می‌کند تا آخرین مرحله که بعد از گذر از ماهیت سلبی، ماهیت ایجابی می‌یابد.

در بعد ادبی و زیبایی‌شناسی نیز، در بخش وزن و آهنـگ شـعارها، بـا انتخـاب و تقطیـع بیسـت مـورد از شعارهای معروف و آهنگین این نتایج حاصل شد:

هفت عدد از شعارها، وزن عروضی کاملی دارند که تقریبـاً معـادل ۳۵٪ اسـت. تعـداد شـعارهایی کـه بـه صورت پاره‌های عروضی هستند و دو پاره بر روی هم مصرع کاملی را می‌سازند نیز، هفت عدد و معادل ۳۵٪ است. تنها سه مورد از شعارها یعنی فقط ۱۵٪ وزن هجایی داشتند. در سـه مـورد نیـز، تفـاوت تعـداد هجـا و

تفاوت وزن در دو مصرع دیده می‌شود که ۱۵٪ را دربر می‌گیرد. می‌توان گفت که اگرچه اکثر شعارها خوش‌آهنگ و روان هستند و قابلیت بالایی را در رسوب و جای‌گیری در ذهن مردم دارند، اما تعداد شعارهایی که به صورت پاره‌های عروضی هستند و آنها که وزن عروضی کاملی دارند، با هم برابر و تقریباً دو برابر شعارهایی است که وزن هجایی دارند یا در دو پاره آنها تفاوت تعداد هجا و تفاوت وزن دیده می‌شود.

در بخش ابعاد بلاغی نیز دستاوردها چنین است:

چون طراح شعارها غالباً عامه مردم هستند، با کمال سادگی و ظرافت، شعارها را قالب زده به اذهان هدایت می‌کنند؛ به‌گونه‌ای که همه اقشار می‌توانند به راحتی آنها را تکرار کرده، به حافظه بسپارند. از آنجا که زبان در این شعارها طبیعی و درآمیخته با مکالمات روزمره است، از فنون بلاغی دشوار و پیچیده در آنها خبری نیست و تشبیه و استعارات و کنایاتی که بعضاً در برخی شعارها دیده می‌شود، ساده و با زندگی مردم مأنوس است.

برخی شعارها یا دیوارنوشته‌ها از ویژگی ایجاز برخوردارند؛ اما در اکثر آنها، به‌ویژه شعارها، به‌دلیل آنکه مردم بر مواضع خود تأکید می‌کنند، اطناب دیده می‌شود و این اطناب، بیشتر به صورت تکرار کلمات ظاهر می‌شود. از حیث آرایه‌های بدیعی، اغلب با آرایه‌های لفظی چون جناس، سجع و تکرار مواجه هستیم که نقش مهمی در افزایش موسیقی کلام و آهنگین شدن شعارها دارند و همین موسیقی و آهنگ، حفظ و به خاطر سپاری شعار را به مراتب آسان می‌سازد.

به سبب آنکه اصل و منشأ انقلاب، برخاسته از باورهای دینی و اعتقادی مردم است، در شعارهایشان نیز، پایبندی آنها به دین و آموزه‌های آن به صورت اقتباس و تلمیحات قرآنی و مذهبی چهره می‌نماید.

بالاخره در بخش آخرکه مربوط به مقوله طنز است، شعارهای طنزآمیز با بدیهه‌گویی و نکته‌سنجی که ویژگی مردم ایران است، بلافاصله بعد از پخش هر خبری که حاوی تغییر در کابینه شاه و جهت‌گیری‌های دربار است، ساخته می‌شود و بدین ترتیب مردم با جرأت و جسارت بیشتری، در تحقیر و سرکوب شاه و درباریان قدم بر می‌دارند. به طور کلی می‌توان زبان شعارها را بی‌تکلف، ساده و صمیمی و برگرفته از زبان پاک و بی‌آلایش مردم دانست که همین ویژگی‌ها، آنها را خواندنی، به خاطر سپردنی، جذاب و ماندنی کرده است.

منابع و مآخذ

۱. *قرآن کریم*.

۲. الگار، حامد، ۱۳۶۰، ***انقلاب اسلامی در ایران***، ترجمه مرتضی اسعدی و حسن چیذری، تهران، قلم.

۳. بهزادی اندوهجردی، حسین، ۱۳۷۳، ***سیری در بدیع***، تهران، صدوق.

٤. بی‌نا، ۱۳۷۹، ***فرهنگ شعارهای انقلاب اسلامی***، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چ ۱.

۵. بی‌نا، ۱۳۸۰، ***آزادی در اندیشه امام خمینی***، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

٦. بی‌نا، ١٣٨٤، ***تصاویر دیوار نوشته‌های انقلاب***، تهران، علمی و فرهنگی.

۷. بی‌نا، بی‌تا، ***همگام با شعارها در انقلاب اسلامی ایران***، بی‌جا، سپاه پاسداران.

۸. ترابی، ضیاءالدین، ۱۳۸۹، ***آشنایی با ادبیات دفاع مقدس***، تهران، بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.

۹. ثروت، منصور، ۱۳۷۹، ***فرهنگ کنایات***، تهران، سخن، چ ۳.

۱۰.جفری ام، الیوت و رابر رجینالو، ۱۳۷۳، ***فرهنگ اصطلاحات سیاسی***، ترجمه رئیس زاده لنگرودی، تهران، معین.

۱۱. خواجه سروی، غلامرضا، ۱۳۸۹، ***سی گفتار پیرامون امام خمینی، انقلاب و جمهوری اسلامی***، تهران، دانشگاه امام صادق(ع)، چ ۱.

۱۲. داد، سیما، ۱۳۸۵، ***فرهنگ اصطلاحات ادبی***، تهران، مروارید، چ ۳.

۱۳. دهشیری، محمدرضا، ۱۳۷۷، «گزارش مقاله جمهوریت و شعارهای انقلاب»، ارائه شده در همایش جمهوریت و انقلاب اسلامی، ***کیهان اندیشه***، شماره ۷۹.

١٤. رزمجو، حسین، ١٣٧٤، ***انواع ادبی***، مشهد، آستان قدس رضوی، چ ۳.

۱۵. زرین‌کوب، عبدالحسین و حمید زرین‌کوب، ۱۳۷۹، ***نقد ادبی***، تهران، پیام نور، چ ۸.

١٦. زکریایی، محمدعلی، ۱۳۸۷، «انقلاب اسلامی، جامعه و دولت»، ***مقالاتی در جامعه‌شناسی سیاسی ایران***، به کوشش مسعود کوثری و سید محمود نجاتی حسینی، تهران، کویر، چ ۱.

۱۷. زیباکلام، صادق، ۱۳۷۵، ***مقدمه‌ای بر انقلاب اسلامی***، تهران، روزنه، چ ۲.

۱۸. سنگری، محمدرضا، ۱۳۸۹، ***ادبیات دفاع مقدس***، تهران، بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.

۱۹. شفیعی کدکنی، محمدرضا، ١٣٦٠، ***موسیقی شعر***، تهران، آگاه.

۲۰. شمیسا، سیروس، ۱۳۷۹، ***عروض و قافیه***، تهران، پیام نور، چ ۱۰.

۲۱. ـــــــــــ ، ۱۳۸۰، ***بدیع***، تهران، پیام نور، چ ۱۱.

۲۲. ـــــــــــ ، ۱۳۸۱، ***بیان***، تهران، فردوس، چ ۹.

۲۳. شیخ الاسلامی، سیدمحسن، ۱۳۸۵، «حکومت اسلامی و رهبری آن از نظر امام خمینی»، ***فصلنامه حکومت اسلامی***، شماره ۱۲.

٢٤. صادقیان، محمدعلی، ١٣٧١، ***طراز سخن***، یزد، دانشگاه آزاد اسلامی.

۲۵. ـــــــــــ ، ۱۳۷۹، ***زیور سخن***، یزد، دانشگاه یزد.

٢٦. صدری، جمال، ۱۳۸۷، ***آهنگ‌شناسی شعر فارسی***، تهران، نشر فرهنگ مردم.

۲۷. طالبی دارابی، ابراهیم، ۱۳۷۸، «نگاهی به دیدگاه‌های سیاسی امام خمینی»، ***فصلنامه علوم سیاسی***، تابستان ۷۸.

۲۸. کزازی، میرجلال‌الدین، ۱۳۷٤، ***بدیع (زیبایی‌شناسی سخن فارسی)***، تهران، کتاب ماد.

۲۹. کوثری، مسعود و سیدمحمود نجاتی‌حسینی، ۱۳۸۷، ***انقلاب اسلامی، جامعه و دولت (مقالاتی در جامعه‌شناسی سیاسی ایران)***، تهران، کویر، چ ۱.

۳۰. کوهن، آلوین استانفورد، ۱۳۸٦، ***تئوری‌های انقلاب***، ترجمه علیرضا طیب، تهران، قومس، چ ۱٦.

۳۱. متقی‌زاده، احمد، ۱۳۷۷، ***انقلاب اسلامی ایران و عوامل وقوع آن***، تهران، انجمن قلم ایران، چ ۱.

۳۲. محمدی، منوچهر، ۱۳۸۸، ***تحلیل برانقلاب اسلامی***، تهران، امیر کبیر، چ ۱۲.

۳۳. معین، محمد، ۱۳۷۱، ***فرهنگ فارسی***، تهران، امیر کبیر، چ ۸.

۳٤. ملکوتیان، مصطفی، ۱۳۸۹، ***سیری در نظریه‌های انقلاب***، چ ششم، تهران، قومس.

۳۵. مولانا، حمید، ۱۳۸۲، ***جامعه مدنی***، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چ ۱.

۳٦. میرزانیا، منصور، ۱۳۸۲، ***فرهنگ‌نامه کنایه***، تهران، امیر کبیر، چ ۲.

۳۷. همایی، جلال‌الدین، ۱۳۷۰، ***فنون بلاغت و صناعات ادبی***، تهران، نشر هما، چ ۷.